

در این شماره

صفحه ۱ حمایت از معلمان مبارز ایران

صفحه ۱ و ۳ در حاشیه اعتصابات کردستان

صفحه ۲ کارگران و مساله تشکل



در حاشیه اعتصابات کردستان

کولبران را تنها نگذاریم!

بدیهی است که منطق سرمایه‌داری سود است و هر آنچه که در روند کسب سود و انباشت سرمایه حاکمیت کوچک‌ترین خللی ایجاد کند می‌بایست بر طبق قانون سرمایه‌داری محکوم گشته و سپس از سر راه برداشته شود. طبیعی است که دولت ایران نیز، دولتی سرمایه‌داری است که سال‌هاست به دلیل انباشت سرمایه افزون‌تر و کسب سود به تضادهای اقتصادی و اجتماعی کشور دامن زده و اقتصاد ملی و به خصوص اقتصاد بخش‌های مرزی و غربی کشور را چنان دستخوش یک ویرانی بی سابقه کرده که پس از گذشت سال‌ها هنوز سیاستی جنگی بر این مناطق حکم فرماست. بیشترین تمرکز شغل‌های کاذب و همچنین قشر بوروکرات در چنین مناطقی به چشم می‌خورد

بقیه در صفحه ۳

سرکوب تجمع معلمان محکوم است!

به زندانی کردن فعالین صنفی و فرهنگی پایان دهید!

معلمان در هر جامعه‌ای به عنوان ستون فقرات اجتماع و پرورش‌دهندگان اصلی آینده‌سازان جامعه تلقی می‌شوند و بالطبع به دلیل مسئولیت خطیرشان که همانا پرورش و شکل دادن به تفکر است همواره تحت نظر حاکمیت بوده‌اند تا از اصول و چهارچوب حاکمیت سرمایه‌داری فراتر نروند. با این حال معلمان کشور سال‌هاست که مبارزه‌ای مداوم را علیه حاکمیت در پیش گرفته‌اند و به خصوص در طی چهار سال اخیر بارها به دلیل مطالبات صنفی نظیر وضعیت حقوق، بیمه درمانی، توقف خصوصی‌سازی و همچنین کالایی ساختن و پولی کردن آموزش و تبعیض آشکار و نبود مدیریت دست به اعتصاب سرتاسری زده‌اند.

در طول سال ۱۳۹۶ و همچنین سال جاری شاهد تجمع معلمان در گوشه و کنار کشور بوده‌ایم. هر چند که بیشتر آن از جانب معلمان حق‌التدریس صورت می‌گرفت و محدود به مسائلی نظیر تبدیل وضعیت شغلی بود. اما تجمع کشوری و سرتاسری معلمان در بیستم اردیبهشت ابعاد تازه‌ای به خود گرفت و شعارها و مطالبات سیاسی نظیر پایان دادن به زندانی کردن و امنیتی کردن فعالیت‌های صنفی و فرهنگی و همچنین آزادسازی بدون قید و شرط معلمان زندانی که چندین تن از آنان نظیر اسماعیل عبدی در اعتصاب به سر می‌برند به سایر مطالبات اضافه گردید. به طوری که در شهر تهران تجمع مسالمت‌آمیز معلمان در مقابل سازمان برنامه و بودجه به وحشیانه‌ترین شکل خود سرکوب گردید و عده‌ای از افراد حاضر نیز دستگیر شدند. و همین امر موجب شد تا تجمع معلمان در سایر شهرها حتی آرام‌تر از پایتخت پیش رفته و حتی در برخی از شهرها به اعتراض نشسته تقلیل یابد.

بقیه در صفحه ۲

اما در این میان اثبات شد که دولت سرمایه‌داری و جناح رفرمیست حاکم بر آن در واکنش به ابتدایی‌ترین درخواست‌ها و مطالبات معلمان کوچک‌ترین تفاوتی با جناح راست ندارد. و همین امر موجب خواهد گردید تا معلمان با تکیه بر تجارب چند سال اخیر رویکردی دیگر را در محور مبارزه خویش قرار دهند. اعتصاب سرتاسری معلمان امری است که می‌تواند به صورت مستقیم و همچنین غیرمستقیم روند ده‌ها نهاد دولتی و خصوصی را مختل کند و حتی تا جایی پیش رود تا ابعاد وسیع توده‌ای به خود گیرد.

کمیته اقدام کارگری ایران ضمن محکوم کردن سیاست‌های دولت سرمایه‌داری که تماماً در جهت اعمال فشار بر توده معلمان و فعالین صنفی و همچنین سرکوب و زندانی کردن معترضان جهت منزوی ساختن و عقب نگه‌داشتن این توده وسیع از عرصه مبارزات مدنی و اجتماعی است با تمامی فعالین پیش‌تاز این عرصه اعلام همبستگی نموده و خواهان آزادی سریع و بدون قید و شرط دستگیرشدگان روز بیستم اردیبهشت و تمامی فعالین فرهنگی است.

ایجاد کمیته‌های سازمانده مخفی برای سراسری کردن مبارزه معلمان و برای مقابله با سیاست‌های دولت سرمایه ضروری است. هماهنگی معلمان با دانشجویان و والدینشان و نهایتاً با سایر کارگران جامعه راه را برای تحقق مطالبات معلمان فراهم می‌آورد.

کارگران و مسأله تشکل

پیش به سوی تشکیل و گسترش کمیته‌های مخفی کارگری

در این امر که طبقه کارگر عنصر اساسی عمل انقلابی و عامل رهبری‌کننده آن است شبه‌ای وجود ندارد. اما محدودیت‌های مشخصی به این طبقه در مقام اکثریت جامعه تحمیل شده است. فشارهای روزافزون اقتصادی و متعاقباً سرکوب آزادی‌های فردی و اجتماعی، کارگران را با اجتماع و دگرگونی‌های آن بیگانه می‌سازد. به طوری که نوعی بی‌اعتنایی را در کارگر برمی‌انگیزد تا با انگیزه کردن جنبش کارگری ساختار و اسلوب استثمار را از بحران نجات دهد.

در چنین شرایطی عامل انگیزش کارگران چه خواهد بود؟ چه نیرویی توان انتقال مفهوم مبارزه جهت محقق ساختن مطالبات کارگری را دارد؟

عده‌ای پاسخ چنین پرسشی را با حذف تعیین‌کننده‌ترین بخش این سؤال، یعنی "کارگران" پاسخ می‌دهند. چنین طیفی به صورت جانشین گرایانه قصد دارند تا با اقدام و فعالیت در چهارچوب نظام حاکم سرمایه‌داری اهداف و برنامه‌های انتقالی و دگرگون‌کننده طبقه کارگر را با اقداماتی مثلاً دموکراتیک و در قالب گفتمان‌های پوشالی اخته کنند. به طوری که مشخصاً چنین تشکل‌هایی که اکثراً به صورت علنی اعلام موجودیت نموده و محور فعالیت را نیز بر همین مبنا قرار داده‌اند، به مرور زمان در چهارچوب محصور دولت سرمایه‌داری باقی مانده و حتی ناگزیرند مناسبات و روابط تولید سرمایه‌داری را در روئایی متفاوت بازتولید کنند و آن را همچون دستاوردی بزرگ برای طبقه کارگر و زحمتکش بازغایی کنند.

باید اضافه کرد که بازتولید در این روند خاص انکارناپذیر است. زیرا با توجه به آنکه طبقه کارگر و غایندگان واقعی این طبقه از آن جدا بوده‌اند، تضاد و بحران‌های موجود در وضعیت طبقه کارگر را پاسخ نداده و تنها فرصت تنفسی را برای تجدیدقوا به بورژوازی خواهد داد. گرچه این نوع بازتولید، با مبارزه مداوم طبقه کارگر و کسب تجربه آنان له تدریج مضمحل می‌شود. تا جایی که آگاهی طبقه کارگر بدان جایی می‌رسد تا چنین طیفی را طرد کرده و به مثابه پیکری واحد، سازمان یافته و به واقع کارگری که آغشته به بوروکراسی شبه حکومتی نیست به صحنه مبارزه خواهد آمد.

اما طبقه کارگر مستقل از تجربیاتش نیازمند سلسله عوامل سازمان دهنده‌ای است که بتواند به جنبش سمت‌وسوی طبقاتی بخشیده و همچنین آن را تا زمان قبضه قدرت از دولت سرمایه‌داری پیش برده تا به جای بازتولید روابط، روابط تولیدی مستقل و مشخص خویش را بسازد. نقطه ثقل این موضوع در دل خود طبقه کارگر جای دارد و آن هم پیشتازانی هستند که با درک واقعیت استثمار نیروی کار طبقه کارگر لزوم مبارزه با دولت و حاکمیت سرمایه‌داری را صرفاً مسئله‌ای صنفی قلمداد نمی‌کنند بلکه کلیتی را در نظر دارند که در آن تمام واقعیت‌ها طبقاتی است و تا زمان سلطه سرمایه‌داری نیز این روند تداوم خواهد یافت.

وجه تمایز این هسته‌های پیشتاز و سازمان دهنده جنبش کارگری از اتحادیه‌ها و سندیکاهایی که مدیریت آن را روشنفکران، بوروکرات‌ها و یادر خوش‌بینانه‌ترین حالت کارگران یقه‌سفید بر عهده‌دارند صرفاً محدود به رویکردهای نظری و تئوریک نیست بلکه کلیتی بزرگ‌تر که باید آن را مشی مبارزه طبقه کارگر معرفی نمود می‌باشد. به طور خلاصه می‌توان اشاره کرد که چنین تشکلهایی به علت فعالیت علنی (آن هم نه در سمت‌وسوی مداخله در جنبش کارگری) قادر به سازمان‌دهی و همچنین آموزش کادرهای پیشتاز و تبدیل آن‌ها به عناصر رهبری نیستند و حتی به دلیل محور اصلی فعالیت خویش بیشتر پیشتازان کارگری را از بدنه جنبش گرفته و تسلیم حاکمیت می‌کنند بدون آنکه فرد قدرت‌تکثیر اندیشه انقلابی خود را داشته باشد. مسئله این نیست که چنین اقداماتی سهواً و یا تعمداً انجام می‌گیرد بلکه مسئله اصلی نهفته در این است که چرا پس از گذشت سال‌ها از عمر چنین تشکلهایی نمی‌توان حتی معبود اعتصابات را نام برد که مشخصاً توسط اعضا وابسته به آن‌ها رهبری شده باشد. آیا انفعال چندین ساله را نمی‌توان به معنای شکست چنین تشکلهایی قلمداد کرد. شکستی که ضربه‌های بسیاری به جنبش کارگری وارد ساخته بدون آنکه دستاورد قابل توجهی داشته باشد.

اما نقطه مقابل چنین رویکردی جنبش مخفی و سازمان دهنده کارگری است که کارگران پیشتاز لزوم آن را در طی مبارزات روزمره درک کرده و تنها در طول یک سال پیش نیز اقدامات مؤثر و ارزشمندی را با تکیه بر این امر شکل داده‌اند که می‌توان به اعتصاب کارگران نیشکر هفت‌تپه به عنوان تکامل یافته‌ترین شکل آن اشاره کرد. کارگران دریافته‌اند که در مقابل سیاست استثمارگرانه باید سیاست مبارزه و اهرم فشار را به کارگیرند. کمیته‌های مخفی کارگری به مثابه یک جسمیت مستقل، راهکاری رهایی‌بخش را تدارک می‌بیند تا بسته به مطالبات کارگری اقدامات سازمان دهنده متشکل را پیش ببرد.

در حاشیه اعتصابات کردستان

ادامه از صفحه ۱

و همین موضوع نیز نشانی از برنامه‌های سیستماتیک حاکمیت در جهت جلوگیری از رشد مولده تولید، پیشگیری از به وجود آمدن طبقه کارگر متشکل و دامن زدن به رکود اقتصادی در این مناطق و همچنین وابسته کردن تمامی بخش‌های آن به مرکزیت حاکمیت است.

عدم وجود شغل مناسب در مناطق مرزی موجب شکل‌گیری شغل‌هایی نظیر کولبری می‌گردد. شغلی که بسته به شرایط جغرافیایی به طبقه زحمتکش این مناطق تحمیل شده است. شغلی طاقت فرسا که جدا از نقض عریان حقوق کارگر حتی ابتدایی‌ترین حق کارگر به مثابه یک انسان یعنی حق حیات را نیز مورد تهدید قرار می‌دهد. به طوری که در اینجا زندگی و معیشت کارگر نه فقط تحت تاثیر و وابسته به جدال کار و سرمایه، بلکه همچنین جدال با طبیعت و محیط برای بقا نیز می‌باشد. طبقه زحمتکش با پرداختن به کار کولبری (یعنی شغلی که از سمت و سوی حاکمیت به دلیل نبود زیرساخت‌های اقتصادی و تولیدی و همچنین با هدف عقیم کردن جنبش پرولتری در مناطق غربی به آنان حقنه شده) به یک مجرم مبدل می‌گردد.

کارگر پیشتاز

کمیته اقدام کارگری



مجرمی که نیروهای امنیتی مرزی حق شلیک مستقیم به آنان را دارند. و این در حالی است که قاچاقچیان حکومتی و یا وابسته به حکومت بدون هیچ هزینه‌ای (صرف نظر از رانت) صدها تن کالا را به کشور وارد کرده و بخش‌های تولیدی سراسر کشور را در معرض خطر تعطیلی و یا تعدیل نیرو قرار می‌دهند.

ولی چنین شرایطی، با اقدام دولت در مورد مسدود کردن مرزها تشدید شده و نه تنها وضعیت طبقه کارگر این مناطق بلکه حتی وضعیت قشر بازاری و صنف‌های مختلف را تحت تاثیر قرار داده است. از همین رو کسبه شهرهایی نظیر بانه و جوانرود دست به اعتصاب سراسری در سطح شهر زدند.

با وارد شدن اعتصاب‌های این شهرها به خصوص شهر بانه، به پانزدهمین روز خود شاهد آن بودیم که بسیاری از جناح‌ها، اعم از ناسیونالیست، آنارشویست، سلطنت طلب و... دست به آژیتاسیون و تبلیغ گسترده زدند. به طوری که اعتصاب قشر خرده بورژوا را تبدیل به ره‌یافت سراسری جهت اعمال فشار به دولت سرمایه‌داری ایران قلمداد کرده‌اند.

بدیهی است که حمایت از اعتصاب شهرهای کردستان امری لازم و ضروری است. اما صف بندی کارگران پیش‌تاز در این اعلام همبستگی و حمایت می‌بایست مستقل از جریان‌های ذکر شده باشد. زیرا با مشاهده‌ای سطحی نیز می‌توان دریافت که اگرچه اعتصاب شهر بانه روند توزیع کالا را در شهر و تا حدودی در استان مختل و محدود کرده و تاثیری جزئی نیز بر افزایش کالاهایی، به خصوص نظیر لوازم صوتی و تصویری و یا لوازم آرایشی بهداشتی داشته اما مسئله و ره‌یافت اصلی در جهت وارد کردن ضربه به بدنه حاکمیت و دولت سرمایه‌داری، اعتصاب بخش‌های تولیدی و صنعتی است. زیرا که دولت و جناح‌های وابسته به آن خود بزرگ‌ترین هسته‌های توزیع‌اند و نمی‌توان تنها با اعتصاب در این بخش مشخص به تهدید آن پرداخت.

اما از سویی دیگر نیز این عصیان توده‌ای را نباید نادیده گرفت. بلکه چنین وضعیت رادیکالیزه‌ای می‌بایست توسط پیش‌تازان کارگری و اجتماعی به مبارزه‌ای علیه حاکمیت سرمایه‌داری مبدل گردد و بر ضرورت حمایت تمامی اقشار از حقوق زحمتکش‌ان و طبقه کارگر اشاره نمود تا توده مردم سطح مبارزه خویش را تنها محدود به مبارزه‌ای صنفی نکرده و ابعاد گسترده‌تری از مبارزه اجتماعی و سیاسی را نیز در خود جای دهد.

کولبری گرچه شغلی غیراستاندارد و خارج از قاعده است اما حال که بنابه شرایط خاص حاکم بر منطقه کردستان این شغل به کارگران آن منطقه تحمیل شده، لذا کولبران نیز همانند سایر کارگران باید از حقوق اولیه کار کردن برخوردار باشند. کولبران منطقه برای گرفتن حق خود باید خود را متشکل کنند و از طریق کمیته‌های مخفی برای دفاع از حقوق خود اقدام کنند. همبستگی سایر کارگران منطقه با کولبران راه را برای خودسازماندهی کولبران هموار خواهد کرد.

	telegram.me/actioncommittee
	facebook.com/workers.action.committee/
	eghdamkargaari.wordpress.com
	Komite.eghdam.2015@gmail.com